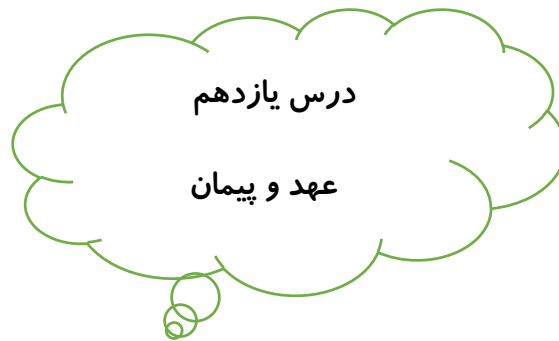




معنی جمله های دشوار عشق به مردم

سطر ۳: یک باره ، موج جمعیت ، رجایی را از جا کند و بُرد و ما را به دنبال او، نزدیک بود زیر دست و پا بمانیم.

معنی: یک دفعه ، جمعیت بسیاری که مانند دریا موج می زد، شهید رجایی را از زمین بلند کرد و به همراه خود برد و ما هم به دنبال او رفتیم . نزدیک بود، زیر دست و پای مردم له شویم.

نکته های دستوری: یک باره: قید / موج جمعیت: نهاد / رجایی: مفعول

موج جمعیت: جمعیت به موج تشبیه شده است.

سطر ۷: بی دست هم می شود زندگی کرد ولی بی مردم نمی شود.

معنی: انسان بدون دست و پا می تواند زنده بماند اما بدون حمایت و توجه مردم ، زندگی کردن برایش سخت و نا ممکن می شود.

معنی جمله های دشوار گرمای محبت

سطر ۸: تا از هجوم باد در امان باشد.

معنی : تا شدت باد به او آسیبی نرساند و آسوده و راحت باشد.

آرایه ادبی : هجوم باد : تشخیص

سطر ۱۲: دست هایم از سرما خشک نمی شود.

آرایه ادبی : خشک نمی شود: کنایه از بی حس و حرکت نمی شود.

سطر ۲۷: اگر من به آن پیر مرد ، کمک کنم، خدا هم به من کمک خواهد کرد.

انسان هر کار خوبی را که انجام بدهد، خداوند مزد و پاداش آن کار را به او بر می گرداند.

با بیت زیر ارتباط معنایی دارد:

این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا

واژگان و آرایه های درس یازدهم

معنی کلمات درس عهد و پیمان

درس ۱۱ :: عهد و پیمان

متواضع : فروتن کسی که در رفتارش تکبر نباشد.

رشته دوستی را قطع نمی کرد: کنایه از ادامه دادن دوستی و دوستی پایدار و همیشگی

آرایه تشبیه : دوستی به رشته و ریسمان تشبیه شده است. اضافه تشبیهی

پای بند: مقید / خود را موظف به انجام کاری می داند.

🍃 توصیه : سفارش

🍃 موظف : وظیفه ای که هر کس به عهده دارد.

🍃 مکث : ایستادن

🍃 حرم مطهر : حرم پاک

موج جمعیت رجایی را از پا کند و برد : ناگهان جمعیت بسیاری که به دریا موج می زد و زیاد بود شهید رجایی را از زمین بلند کرد و به همراه خود برد.

بی دست هم می شود زندگی کرد ولی بی مردم نمی شود: انسان اگر بدون دست و پا باشد می تواند زنده بماند ولی بدون حمایت و توجه مردم زندگی کردن بسیار سخت و نا ممکن است.

ورزش ، خوراک ، مطالعه، خواب : مراعات نظیر

🍃 صلاح : درستی

🍃 هجوم : حمله

🍃 کهن سال: قدیمی

🍃 صحن : میدان

🍃 🍃 **رئیس جمهور وقت:** رئیس جمهور آن زمان

🍃 مطهر : پاک و مقدس

🍃 صحن : میدان، حیاط

🍃 وضع : حالت، وضعیت

🍃 متواضع : فروتن

معین : مقرر، تعیین شده

☛ خصلت :ویژگی، خوی

☛ امان :ایمن، آسوده

☛ عیبی :اشکال، ایراد

☛ عابران :رهگذران

☛ تحمل :شکیبایی، بردباری کردن

☛ انگار :گویا، به نظر

دست هایم از سرما خشک می شود: کنایه از دستهایم به خاطر سرما بی حس و بی حرکت می شود.

از هجوم باد در امان باشد: کنایه از تا باد به او آسیبی نرساند / و آرایه تشخیص

دانش های زبانی و ادبی درس یازدهم

نکته : شخص های شش گانه فعل:

یکی از ویژگی های فعل ، « شخص » است .فعل ها در زبان فارسی، شش شخص دارند که سه شخص اول ،مفرد

و سه شخص دوم، جمع است. به اول شخص ، گوینده ، به دوم شخص ، شنونده و به سوم شخص ، دیگری یا غایب می گویند.

اگر به جدول بالا دقت کنید متوجه می شوید که گوینده (اول) شخص می تواند یک نفر باشد(می روم)
با بیش تر از یک نفر (می رویم) به عبارت دیگر ، مفرد باشد یا جمع. شنونده (دوم شخص) می تواند یک نفر باشد.

مفرد	جمع
اول شخص (گوینده) : می روم	اول شخص (گوینده) : می رویم
دوم شخص (شنونده) : می روی	دوم شخص (شنونده) : می روید
سوم شخص (دیگری) : می رود	سوم شخص (دیگری) : می روند

(می روی) یا بیشتر از یک نفر (می روید) همین طور دیگری با یک نفر است (می رود) یا بیشتر از یک نفر (می روند) ، یکی را مفرد و بیش از یکی را جمع می نامیم.

نکته : صرف کردن فعل: وقتی ساخت های شش گانه فعل فارسی را مانند نمونه بالا به دنبال هم بیاوریم ، می گوئیم آن فعل را صرف کرده ایم.

دانش های زبانی و ادبی درس دهم

نکته اول : زمان فعل

هر فعل چند ویژگی دارد که عبارت اند از :

۱.انجام شدن یا نشدن عمل یا حالت ۲.زمان ۳. شخص ۴. جمع یا مفرد بودن

دراین قسمت به زمان فعل می پردازیم:

به جمله های زیر دقت کنید.

۱.ایرانیان، کاغذ سازی را در قرن های نخستین اسلامی از چینیان آموختند.

۲. گنجینه های قرآن ، ارج هنر ایرانی را در زمینه های اسلامی نشان می دهد.

۳. اسلام روح تازه ای در پیکر ایرانی خواهد دمید.

در جمله شماره ۱ فعل « آموختند » انجام گرفتن کاری را در زمان گذشته می رساند. به این فعل « ماضی

(گذشته) می گویند. فعل « نشان می دهد » در جمله شماره ۲ ، انجام گرفتن کاری را در زمان می رساند. به این فعل ، « مضارع » (حال) می گویند. فعل « خواهد دمید » در جمله شماره ۳ ، انجام کاری را در زمان آینده می رساند که به این فعل « مستقبل » (آینده) می گویند.

راه شناخت زمان فعل ها

اول مصدر فعل را مشخص می کنیم و بعد از آن می بینیم که در آن فعل ، بن ماضی وجود دارد یا بُن مضارع ، مانند:

« من به خانه رفتم » : فعل جمله : رفتم

این فعل از مصدر « رفتن » است که بُن ماضی آن « رفت » است، بنابراین زمان فعل این جمله ، ماضی « گذشته » می باشد

بن مضارع مصدر « رفتن » « رو » است. اگر فعل « می روم » باشد، زمان آن ، مضارع (حال) است؛ چون که در این فعل ، بن مضارع « رو » به کار رفته است.

رفتن : مصدر / رفت : بن ماضی (بن ماضی با حذف (ن) از آخر مصدر به دست می آید: رفتن : رفت) / رو: بن مضارع (بن ماضی را به فعل امر تبدیل می کنیم و با حذف « ب » از اول فعل امر، بن مضارع به دست می آید: فعل امر: برو (با حذف « ب » رو)
